فناوری دیجیتال

(موبایل، تبلت، رایانه، اینترنت و...)

در اخبار معتبر اسلامی

{مبداء اصلی موارد متشکل تکنولوژی روز دنیا

متعلق به آفرینش حکیمانه و هوشمندانه

خداوند در آسمان های بالاتر}

📅تاریخ: ۰۴/۱۰/۱۳۹۹📅

زمان مطالعه: ۴۶دقیقه

■□■□■□■□■□■□■□

📜متن: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: چون مرا در سفر شبانه (معراج) به آسمان بردند، فرشته‌ای از فرشتگان را دیدم که لوحی(تبلتی) از نور در دست داشت و به چپ و راست (به مانند خود) توجهی نمی‌کرد و خیره به (صفحه‌نمایش) آن نگاه می‌نمود. گفتم: ای جبرئیل! این کیست؟ گفت: این ملک الموت است و مشغول قبض ارواح (با توجه به سیستم یک‌پارچه و اتصال یافته ارواح انسانی) است. گفتم: ای جبرئیل! مرا نزدیک وی ببر تا با او سخن بگویم. پس مرا به نزدیک وی برد. پس به وی گفتم: ای ملک الموت! آیا هر که مرده یا این که بعداً خواهد مرد، خودت آن‌ها را قبض روح می‌کنی؟ گفت: آری. گفتم: شخصاً بر بالین آن‌ها حاضر می‌شوی؟ گفت: بلی؛ زیرا دنیا را خداوند چنان برای من رام کرده و مرا بر آن مسلط گردانیده که گویی درهمی است در دست یک مرد که هر طور بخواهد آن را زیر و رو می‌کند. هیچ خانه‌ای در دنیا نیست که روزی پنج بار به آن‌جا سر نزنم و اگر دیدم ساکنان خانه بر مرده‌ای از خود گریه می‌کنند، به آن‌ها می‌گویم: بر او گریه نکنید زیرا من بارها و بارها به این خانه سر خواهم زد و همه را یکی یکی با خود می‌برم تا هیچ کدام باقی نمانید. سپس رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله فرمود: ای جبرئیل! هیچ بلایی بدتر از مرگ نیست. جبرئیل گفت: آن‌چه بعد از مرگ است، بلایی سخت‌تر و بزرگ‌تر از مرگ است.📜

📜متن: رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم روزی به جبرئیل گفت: دوست دارم تو را به همان شکلی ببینم که در آسمان هستی. جبرئیل به او گفت: تو قدرت این کار را نداری. پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم فرمود: باید این کار را بکنم و جبرئیل را به خاتم نبوت قسم داد. آن‌گاه جبرئیل گفت: کجا می‌خواهی این کار انجام شود؟ رسول خدا گفت: در «ابطح». جبرئیل گفت: برای من امکان ندارد. گفت: در «منی». گفت: نمی‌توانم، گفت: در «عرفات». گفت: من نمی‌توانم ولی با هم به آن‌جا برویم. رسول خدا به عرفات رفت. ناگهان دید که جبرئیل در عرفات است و سر و صدایش می‌آید. و سینه او تمام مشرق و مغرب را پر کرده است. سرش در آسمان بود و پاهایش در زمین هفتم. پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم غش کرد و بر زمین افتاد. آن‌گاه جبرئیل به شکل اولش برگشت و او را در آغوش گرفت و گفت: ای محمد! نترس، من برادر تو هستم، جبرئیل. محمد گفت: ای برادر! فکر نمی‌کردم که خداوند در آسمان موجودی خلق کرده باشد که شبیه تو باشد. جبرئیل گفت: کاش اسرافیل را می‌دیدی، سرش در زیر عرش قرار دارد و پاهایش زیر سر حدّات زمین هفتم و لوح محفوظ بین دو ابرویش قرار دارد و هر گاه اسم خدا برده شود، به شکل گنجشک در می‌آید. سوال شد: جبرئیل چه شکلی دارد؟ فرمود: او دارای پیشانی درخشان و مویی است نه کوتاه و نه بلند، گویی که مروارید است. دارای دو بال سبز رنگ و دو پا می‌باشد. رنگش مانند برفی است که با مروارید تزئین شده باشد. وقتی پیامبر صلی اللّٰه علیه و آله و سلم او را دید، صورتش این‌گونه بود.📜

📜متن: ابن عباس در روایتی گوید: همراه با جبرئیل فرشته‌ای فرود آمد که هرگز به زمین نیامده بود، و کلیدهای گنجینه‌های بهشت با او بود. گفت: ای محمد پروردگارت بر تو سلام می‌دهد و می‌گوید: این کلیدهای گنجینه‌های بهشت است، اگر می‌خواهی پیامبری عبد (فقیر) باش و اگر می‌خواهی پیامبری پادشاه (ثروتمند) باش. فرمود: البته می‌خواهم پیامبری عبد و فقیر باشم. پس به ناگاه نردبانی از طلا که پایه‌های آن از نقره بود و به مروارید و یاقوت آمیخته شده بود و از نور می‌درخشید و پایین آن بر صخره بیت المقدس، و بالای آن در آسمان بود، ظاهر شد. به من گفت: ای محمد بالا برو. چون به آسمان بالا رفت، پیرمردی را دید که زیر درختی نشسته بود و در اطرافش کودکانی بودند. جبرئیل گفت: این شخص پدرت آدم است، که هر گاه یکی از نوادگانش را می‌بیند که وارد بهشت می‌شود می‌خندد و شادمان می‌گردد و چون یکی از نوادگانش را ببیند که وارد دوزخ می‌شود اندوهگین شده و می‌گرید. و فرشته‌ای دید که چهره در هم کشیده و لوحی مکتوب با خطّی(قلم یا فونت) از نور و خطّی از ظلمت در دست داشت. فرمود: این فرشته مرگ است. سپس فرشته‌ای را دید که بر کرسی نشسته است و شادابی گشاده روی دیگر فرشتگان را در او ندید. جبرئیل گفت: این مالک، خازن و نگهبان دوزخ است. او پیش‌تر گشاده رو و شاداب بود و هنگامی که عهده‌دار نگهبانی از آتش دوزخ شد، دیگر نخندید. پیامبر از او خواست که آتش دوزخ را به او بنمایاند. پس در آتش دید آن‌چه را که دید. سپس پیامبر وارد بهشت شد و چیزهایی را که در آن بود مشاهده کرد و صدایی شنید که می‌گفت: به پروردگار جهانیان ایمان آوردیم. جبرئیل گفت: این ساحران و جادوگران فرعون‌اند. و «لبیک اللهم لبیک» شنید. گفت: این حاجیان‌اند. و «الله اکبر» شنید. گفت: این مجاهدان‌اند.

و سبحان اللّٰه شنید. گفت: این پیامبران‌اند. وقتی به سدرالمنتهی رسید و به حجاب‌ها رسید، جبرئیل گفت: ای رسول خدا جلو برو، چرا که من اجازه ندارم از این مکان جلوتر بروم و اگر به‌اندازه یک سر انگشت نزدیک شوم، یقیناً می‌سوزم. ابوبصیر گوید: شیدم که می‌فرمود: جبرئیل رسول خدا صلی اللّٰه علیه و آله و سلم را حمل کرد تا به جایی از آسمان رساند. سپس او را رها کرد و به او گفت: هیچ پیامبری هرگز به این مکانی که تو هستی، پا ننهاده است. و روایت شده که آن حضرت در آسمان دوم عیسی و یحیی علیهما السلام را ملاقات کرد و در آسمان سوم، یوسف علیه السلام، و در آسمان چهارم ادریس علیه السلام، و در آسمان پنجم هارون علیه السلام، و در آسمان ششم کروبی‌ها (مقربان درگاه الهی)، و در آسمان هفتم شماری از مخلوقات و دسته‌ای از فرشتگان را دید.📜

📜متن: هنگامی که دو فرشته انسان می‌خواهند در وقت صبح و عصر نازل شوند، اسرافیل اعمال بنده را از لوح محفوظ برای آن دو نسخه‌برداری(کپی) می‌کند، و هنگامی که آن دو در وقت صبح و عصر، دفتر اعمال بنده را بالا بردند، اسرافیل آن را با آن نسخه‌ای که استنساخ کرده مقایسه می‌کند تا بداند که همان‌طور است که او نسخه‌برداری کرده است.📜

📜متن: فرشته حاجب خداوند و نزدیک‌ترین مخلوق به خداوند است، و لوح که از یاقوت سرخ است در برابر دیدگان اوست. هرگاه خداوند وحی(به مانند ارسال پیامک یا ارتباط اینترنتی) کند، وحی بر آن لوح نقش(ثبت یا ارسال می‌شود) می‌بندد و او در آن می‌نگرد پس آن را به ما می‌دهد و ما در آسمان‌ها و زمین آن را عملی می‌سازیم، این فرشته از همه مخلوقات به خدا نزدیک‌تر است و بین خدا و او، هفتاد حجاب از نور است و این فاصله را که قابل اندازه‌گیری نیست و نمی‌توان آن را توصیف کرد، می‌پیماید. و من از همه مخلوقات به او نزدیک‌ترم و میان من و او مسافت هزار سال وجود دارد.📜

📜متن: راستی از آن‌چه خدا آفریده، لوحی است از یک درّ سپید، که دو پوسته جلدش(قاب) از یاقوت سرخ است، قلمش از نور(پرتو انرژی) است و کتابش از نور و پهنایش به‌اندازه فاصله بین آسمان و زمین. هر روزی سیصد و شصت بار در آن نگاهی(توجه‌ای) می‌کند، در هر نگاهی(امر و دستورالعمل) می‌آفریند، روزی می‌دهد، می‌میراند و زنده می‌کند، عزیز می‌سازد و خوار می‌کند، و آزاد می‌کند، و هر چه خواهد می‌کند📜

📜متن: امام رضا علیه السلام فرمود: در آن گنجی که خداوند درباره آن فرمود: «وَ کانَ تَحْتَهُ کَنْزٌ لَهُما» لوحی از طلا بود که در آن چنین نوشته شده بود: بسم اللّٰه الرحمن الرحیم، محمد صلی اللّٰه علیه و آله و سلم رسول خداوند است و تعجب دارم از کسی که به مرگ ایمان دارد، چگونه شادی می‌کند و عجب دارم از کسی که به قضا و قدر یقین دارد، چگونه غمگین می‌گردد و عجب دارم از کسی که دنیا و بازی آن با اهل خود را می‌بیند، چگونه باز هم به آن دل می‌بندد و کسی که درباره خداوند اندیشه کند، سزاوار است که خداوند را در مورد آن‌چه که برایش مقدر شده، مقصر نداند و فکر نکند که خداوند در روزی رساندن به او کندی به خرج می‌دهد.📜

📜متن: سفیان ثوری نقل می‌کند: تفسیر «ن» در قرآن را از امام صادق علیه السّلام پرسیدم، پاسخ داد: نهری است در بهشت. خدای عز و جل فرمود: بسته شو! بسته شد و مرکب شد. سپس خدای عز و جل به قلم فرمود: بنویس، و قلم در لوح محفوظ نگاشت، آن‌چه بود و آن‌چه خواهد بود تا روز قیامت؛ مرکب از نور بود، و قلم از نور، و لوح از نور. گفتم: یا ابن رسول اللَّه! برایم امر لوح و قلم و مداد را بهتر بیان کن و به من بیاموز، آن‌چه را خدا به تو آموخته. فرمود: یابن سعید، اگر تو شایسته آن نبودی، پاسخت را نمی‌دادم. فرشته‌ای(نیرو فرمان‌بردار طبیعت الهی) است که به قلم می‌رساند و او هم فرشته‌ای است که به لوح می‌رساند و او هم باز فرشته‌ای است که به اسرافیل می‌رساند، و اسرافیل به میکائیل می‌رساند، و میکائیل به جبرئیل می‌رساند، و جبرئیل به انبیاء و رسل می‌رساند.📜

📜متن: رسول خدا صلّی اللَّه علیه و آله و سلّم فرمود: راستی برابر خدا رحمان تبارك و تعالی لوحی است که در آن سیصد و پانزده شریعت و آئین است، رحمان می‌فرماید که بعزت و جلالم سوگند، نیاید هیچ بنده‌ای از بنده‌ها نزد من که مرا یگانه داند و شریکی با من نگیرد و دارای یکی از شما آئین‌های من باشد جز آن‌که او را به بهشت درآورم.📜

📜متن: جابر عرض کرد: خدا را شاهد می‌گیرم که در حیات رسول خدا صلی الله علیه و آله نزد مادرت فاطمه علیها السّلام رفتم تا ولادت حسین علیه السّلام را به وی تبریک بگویم، دیدم لوحی سبز در دست دارد که به زمرّد می‌ماند و در آن نوشته ای سفید شبیه نور خورشید دیدم، پس به وی گفتم: پدر و مادرم فدایت شوند ای دخت رسول خدا، این لوح چیست؟ فرمود: این لوح را خدای عزّوجلّ به پیامبرش هدیه داده و در آن نام پدرم، نام علی، نام دو پسرم و اسامی اوصیاء از فرزندانم در آن نوشته شده و پدرم آن را به من داد تا خوشحالم کند. خدا را گواه می‌گیرم که نوشته آن لوح را به این شکل دیدم: بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِیم این کتابی است از خدای عزیز علیم برای محمد، نور و سفیر و حجاب و راهنمای خلایق به سوی اوست که جبرئیل آن را از پروردگار جهانیان نازل کرده است. ای محمّد، نام‌های مرا بزرگ بدار، نعمت‌هایم را سپاس گو و منکر آیات من مشو که من خدایی هستم که خدای دیگری جز من نیست، درهم شکننده گردن کشان، خوار دارنده ستمکاران، مالک و جزا دهنده روز قیامت؛ من خدایی هستم که جز من خدایی نیست؛

هرکس امیدش جز به کرم من باشد یا از غیر عدل من بترسد، چنان عذابی به وی بچشانم که کسی را از جهانیان چنین عذاب نداده باشم، پس تنها مرا پرستش کن و بر من توکل داشته باش. من پیامبری را مبعوث نکرده‌ام مگر این‌که چون عمرش به سر آمد، برای او وصی قرار دادم، و من تو را بر دیگر پیامبران برتری دادم و وصی تو را نیز بر دیگر اوصیا برتری دادم و پس از وصی، تو را به دو نواده‌ات حسن و حسین کرامت بخشیده و گرامی داشتم، پس حسن را پس از وفات پدرش کان عِلم خویش قرار دادم و حسین را خازَن وحی خود ساختم و به شهادتش مفتخر نمودم و کمال سعادت را نصیب وی کردم که او افضل شهدا و والا مقام‌ترین آنان است و کلمه تامّه من با او و حجّت بالغه من نزد اوست، به واسطه عترت او پاداش و کیفری دهم که نخستینِ آن‌ها علی، سرور عابدان و زینت اولیای پیشین است و آن‌گاه پسرش که شبیه نیای ستوده خویش است، محمّد که شکافنده علم من است و معدن دانش من می‌باشد؛ آنان‌که (در امامت) جعفر شک کنند هلاک خواهند شد، هر که او را رد کند، گویی مرا رد کرده است، این قول حقّ من است که جایگاه جعفر را گرامی بدارم و بی‌تردید او را در میان پیروان، یاران و دوست دارانش شاد خواهم ساخت و پس از وی فرزند بُرنایش موسی را برگزیدم، و پس از آن، فتنه ای کور و تاریک برپا خواهد شد (اما امامت هم‌چنان استمرار خواهد یافت) زیرا رشته وصیت من هرگز نخواهد گسست و حجّت من نهان نخواهد گشت و اولیای من هرگز دچار مشقّت و بدبختی نخواهند شد؛

هان، هشدار که هرکس یکی از ایشان را منکر شود، چنان است که نعمت مرا انکار کرده باشد و هرکس آیه‌ای از کتاب مرا تغییر دهد، بر من افترا بسته است، و وای بر افترا زنندگان و منکران، آن‌گاه که عمر بنده و محبوب و برگزیده‌ام موسی به پایان رسد؛ بی‌شک کسی که هشتمین (امام) را تکذیب کند، همه اولیای مرا تکذیب کرده است؛ و علی، ولی و یاور من است، او کسی است که سنگینی بار نبوّت را بر دوش او می‌گذارم و وی را با درگیر شدن با آن می‌آزمایم؛ او را دیوی خودخواه به قتل می‌رساند و در شهری که آن را عبدصالح من (ذو القرنین) بنا کرده، در کنار بدترین آفریده من دفن خواهد شد و بر من فرض است که دیدگان وی را به جانشینش محمّد روشن سازم که او وارث علم من است و کانِ حکمتِ من و امین اسرار و حجّت من بر آفریدگان من است. جایگاه او را بهشت قرار دادم و شفاعت وی درباره هفتاد هزار تن ازخویشاوندان وی که مستحقّ آتش بودند پذیرفتم و سعادت را درباره فرزندش علی که ولی و ناصر و شاهد در میان خلقم و امین من بر وحی‌ام می‌باشد، و از نسل او دعوت کننده به راه من و خازن علمم حسن را بیرون می‌آورم، آن‌گاه از باب رحمت بر عالمیان، دودمان اوصیا را به وجود فرزندش کامل خواهم کرد؛ کسی که کمال موسی و بهاء عیسی و صبر ایوب را در خود دارد. در دوره او (دوره غیبت) اولیای من خوار خواهند شد و سرهای آنان را هم‌چون سرهای مردمان ترک و دیلم، به یک‌دیگر هدیه می‌دهند؛ آنان کشته و سوزانده می‌شوند و در ترس و وحشت و هراس به سر خواهند برد و زمین از خون آنان رنگین گردد و نعره فریاد و شیون و زاری از زنانشان بلند گردد؛

آنان به راستی اولیای من هستند، به وسیله آن‌ها هر فتنه کور و تاریکی را دفع می‌کنم و به واسطه آنان سختی‌های هولناک را برطرف می‌نمایم و بارهای گران و غل و زنجیر را از آنان بر می‌دارم؛ آنان کسانی هستند که از صلوات و رحمت پروردگارشان برخوردارند و هدایت یافتگان راستین آنان هستند.

■ ▫ ■ ▫ ■ ▫ ■ ▫ ■ ▫ ■ ▫ ■ ▫

📝نکات‌علمی: {در فاصله ... کیلومتری شهر... در کشور افغانستان و نزدیک کوه‌های ... در مکانی شبیه به لنگر اهل فتوت وارد شدم حضرت مولانا زین الدین را دیدم همراه با ۱۵ نفر از پیران بلخ و شاعر دقیقی و چند پیر از باختر (غرب) وچند نفر از کشمیر و هند و پنجاب و بابا قندهاری و غیره حضور داشتند و همگی علی رغم این‌که فوت نموده بودند اما زنده بودند حضرت مولانا زین الدین برخاست و خوش آمد گفت و فرمود که به نقطه عالم المسط از جهان ما خوش آمدی البته اشاره از نقطه به فضای ۴ در ۲ داشت که در جهت عکس عقربه ساعت می‌چرخد با رکن و مقام (نقطه‌ای در مسجد الحرام و محل شهادت نفس زکیه و جایی که چندین پیامبر در آن دفن هستند و محل بیعت حضرت مهدی عجل اللّه با یارانش می‌باشد) با فاصله‌های ۵تایی و با گام‌های کوتاه متوسط و بلند مانند گام‌های موسیقی با صوت و حرکت و چرخش اسرار و اعداد در کن فیکون جهان و فرمود این رازی است برای طی الارض(پیچیده شدن زمین زیر پا) و طی الهوا (درنوردیده شدن هوا زیر پا) و طی الصوت و طی البحر (درنوردیده شدن دریا زیر پا) و طیر الهوا (پرواز در هوا) و طیر الارض(پرواز در فاصله نزدیک به زمین) و طیر البحار(پرواز با فاصله نزدیک بر روی دریا) و سخر الوحوش (تسخیر وحوش) و سخرالاشیا(تسخیر اشیا) و تسخیر الممکنات (تسخیر هرآن‌چه در عالم هست) چنان که برای تکان دادن زمین (ایجاد زلزله) و نابودی دشمن در ممالک مختلف در آخرالزمان آقایمان (حضرت مهدی عجل اللّه) در ۳جهان و ۵مُلک و ۹ عالم از رازهای این نقطه استفاده می‌کند

و این سلاح برنده را چون گوهری حفظ می‌نماید و سالی یک بار در آن نقطه که چشمانت لیاقت دیدنش را یافته جلوس کرده و اربعینی به دل می‌گذراند و برای آموزش یارانش در این مکان استفاده‌های معنوی و مادی اعم از سخارات (تسخیرات) و علم النفوس (علم به نفوس و روح و باطن خلایق) و حدوث العوالم الغیب و الامکان بسیار است (ایجادعوالم غیب و خلقت ممکنات در آن و إنچه که توانایی حدوث در یکی از عوالم اعم از غیب یا محسوس را داشته باشد) و خواص الفتوح الاذهان و ادراک المحسوسات و المعقولات فی الکواکب الخواطر و الاذهان را دارا می‌باشد.}

نکته ۱: عالم المسط وسیله‌ای است دایره‌ای شکل، شبیه به اسطرلاب مسطح و فلزی که در محیط بیرون لنگر قرار دارد. این دایره به هفت قسمت تقسیم شده است که ظاهراً با هفت کوکب در ارتباط است و هفت آیه از یکی از سور قرآنی به صورت وفق و طلسمات بر بروی هر کدام از هفت قسمت دایره نقش بسته شده است. در هر قسمت دایره وفق و طلسم مربوط به یک آیه که با یک کوکب در ارتباط است نقش بسته است. حرکت بر روی این سازه با گام‌های موسیقی در ارتباط است و می‌دانیم که در علم تنجیم هر کدام از نُت‌های موسیقیایی را به یک کوکب منسوب می‌نمایند. گفته شد که توالی روزهای هفته با گام‌های چهار چهار موسیقی افلاک قدیم هماهنگی دارد اما این‌جا شکل گام‌ها متفاوت است.

نکته ۲: هر کدام از تواناییهای عالم المسط با یک مدل خاص از توالی گامهای موسیقیایی بر روی وسیله فعال میشود. برای مثال شکل گامها و توالیشان و فواصلشان بر روی مسط که به طی الارض منجر میشود با شکل گامها و توالیشان و فواصلشان که منجر به طی البحر میشود متفاوت است.

نکته ۳: فقیر از زمان و چگونگی ساخت این وسیله بیخبرم اما ظاهرا بزرگان حاضر در محل عالم المسط در ساخت این سلاح قدرتمند نقش داشتهاند و این سلاح قدرتمند در طی سالها و چندین قرن توسط این بزرگان تکمیل شده است و سپس به امام عصر عجل الله تعالی فرجه شریف تحویل داده شده است

نکته ۴: بعضی بزرگان یاد شده نظیر بابا قندهاری ظاهراً از صوفیان اهل سنت بودهاند و این همان درستی سخن بزرگانی نظیر آیت الله سید علی قاضی را نشان میدهد که میگویند تمام بزرگان عرفان یا به کمال نرسیدهاند یا باطناً شیعه بودهاند. البته این جمله معنیش این نیست که این بزرگان حتماً جعفری مذهب بودهاند بلکه منظور این است که ولایت امیرالمومنین علی (ع) و یازده فرزندش را پذیرفتهاند و به عین الیقین اولی الامری حضرات معصومین را درک نمودهاند و باطناً به آن اقرار نمودهاند هر چند که در جامعه اهل سنت زندگی نموده باشند.

نکته ۵: اینکه حضرت هر سال در مکان عالم المسط اربعین مینشیند. احتمالاً برای حفظ و افزایش قدرت این سلاح مربوطه است. در واقع عمل حضرت به مانند صیقل دادن سالیانه تیغه چاقو میباشد که بُرندگی آن را افزایش میدهد.

زمان اربعین مشخص نیست اما به احتمال زیاد زمان اربعین موسوی نمی‌باشد زیرا حضرت بنا به نقل بزرگان هر سال در مراسم سالیانه حج تمتع شرکت می‌نمایند. درست است که برای حضرتش زمان و مکان به مانند ما نیست و می‌توانند ده‌ها و صدها جسم برای خویش ایجاد نمایند اما با اینحال چنین مسئله‌ای بعید است و در سیره معصومین کمتر چنین مسئله‌ای دیده شده است.

نکته ۶: اما در مورد این سخن مولانا زین الدین «آقایمان در سه جهان و پنج مُلک و نُه عالم از رازهای این نقطه....» ابتدا باید بگویم که اولا ظهور حضرتش تمامی عوالم را در بر می‌گیرد و ماجرای ظهور حضرتش تنها زمین ما را در بر نمی‌گیرد و در باب این عوالم باید این را بدانیم که زمین ما نسبت به جملگی این عوالم حالت مرکزیت دارد!

زمین ما در سه جهان، در جهان میانی یا دوم است.

شاید در پنج مُلک، مُلک سوم باشد! (ابتدا باید به تعریف درستی از پنج مُلک دست یافت)

در نُه عالم، عالم پنجم می‌باشد

بنابراین همانگونه که ملاحظه می‌نمایید و گفته شد زمین ما حالت مرکزی نسبت بدین عوالم درگیر در مسئله ظهور را دارد و به همین دلیل است که جملگی موجودات این عوالم با بازشدن مرزهای عوالم به زمین ما خواهند آمد. تا بسیاری از تصفیه حساب‌هایشان در عالم ما انجام شود و انتقام‌های بسیاری گرفته شود!

همه با هم خواهند جنگید چه ایزدان مثبت و منفی که نامیرا هستند چه اهل جابلقا و جابلسا و تارس و تافیل و یأجوج و مأجوج و مألوق و مأسوخ و دیگران و دیگران جملگی با باز شدن مرز سرزمین‌ها وعوالمشان درگیر مسئله ظهور خواهند شد و با یک‌دیگر درگیر خواهند شد!

چه آنان به زمین ما بیایند و چه حضرت صاحب الامر عجل اللّه به سرزمین هایشان لشکر کشی نماید ظهور جملگی این عوالم را در بر می‌گیرد.

بنابراین باید توجه داشت که ما در آخرالزمان تنها شاهد مرئی شدن جنیان و دیوها و پریان نخواهیم بود و موجودات ناخوانده دیگری نیز احتمالاً به عالم ما خواهند آمد.

ایجاد نمودن زلزله‌های گسترده در سرتاسر عالم توسط حضرت حجت ارواحنا له الفدا ممکن است تنها دلیلش نابودی دشمنان نباشد زیرا باز شدن مرزهای عوالم درگیر در مسئله ظهور نیز با زلزله‌های گسترده همراه خواهد بود!

یعنی بدون زلزله‌های بزرگ، زمین به غیر این زمین مبدل نخواهد شد و مرز عوالم باز نخواهد شد. بنابراین ایجاد زلزله‌های گسترده می‌تواند به نوعی پیغام دعوت برای این موجودات برای حضور و مبارزه در زمین ما باشد!

پیشتر در دروس به نظریه سه جهان در اساطیر اشاره نمودیم و گفتیم که در نزد قدما عالم به سه جهان تقسیم می‌شده است:

۱: عالم زیرین یا عالم تاریک مردگان که عالم زیر زمین نیز نامیده می‌شود.

۲: عالم میانی که شامل زمین و آن‌چه بین آسمان و زمین است.

۳: عالم بالایی که شامل آسمان‌ها می‌شود.

اللّٰه تبارک تعالی نیز در آیه ۶ سوره مبارکه طه بدین سه عالم اشاره نموده :

}لَهُ مَا فِی السَّمَاوَاتِ وَمَا فِی الْأَرْضِ وَمَا بَیْنَهُمَا وَمَا تَحْتَ الثَّرَى ﴿۶﴾= آن‌چه در آسمان‌ها و آن‌چه در زمین و آن‌چه میان آن دو و آن‌چه زیر خاک است از آن اوست (۶)}

حال با توجه به نظریه تطابق عالم صغیر و عالم کبیر اگر به ساختار بدن انسان دقت نمایید. آن را سه قسمتی می‌یابیم:

۱: سر و گردن که معادل عالم بالایی در جهان اسطوره‌ای می‌باشد.

۲: تنه که معادل عالم میانی می‌باشد.

۳: ران‌ها و پاها که معادل عالم زیرین می‌باشد.

اما پیش از پرداختن به پنج مُلک به ۹ عالم می‌پردازیم.

نظریه وجود نُه عالم در اساطیر هند و نورس (شمال اروپا) مطرح شده است.

اساطیر نورس به اساطیر کشورهای آلمان و دانمارک و سوئد و نروژ و فنلاند می‌گویند.

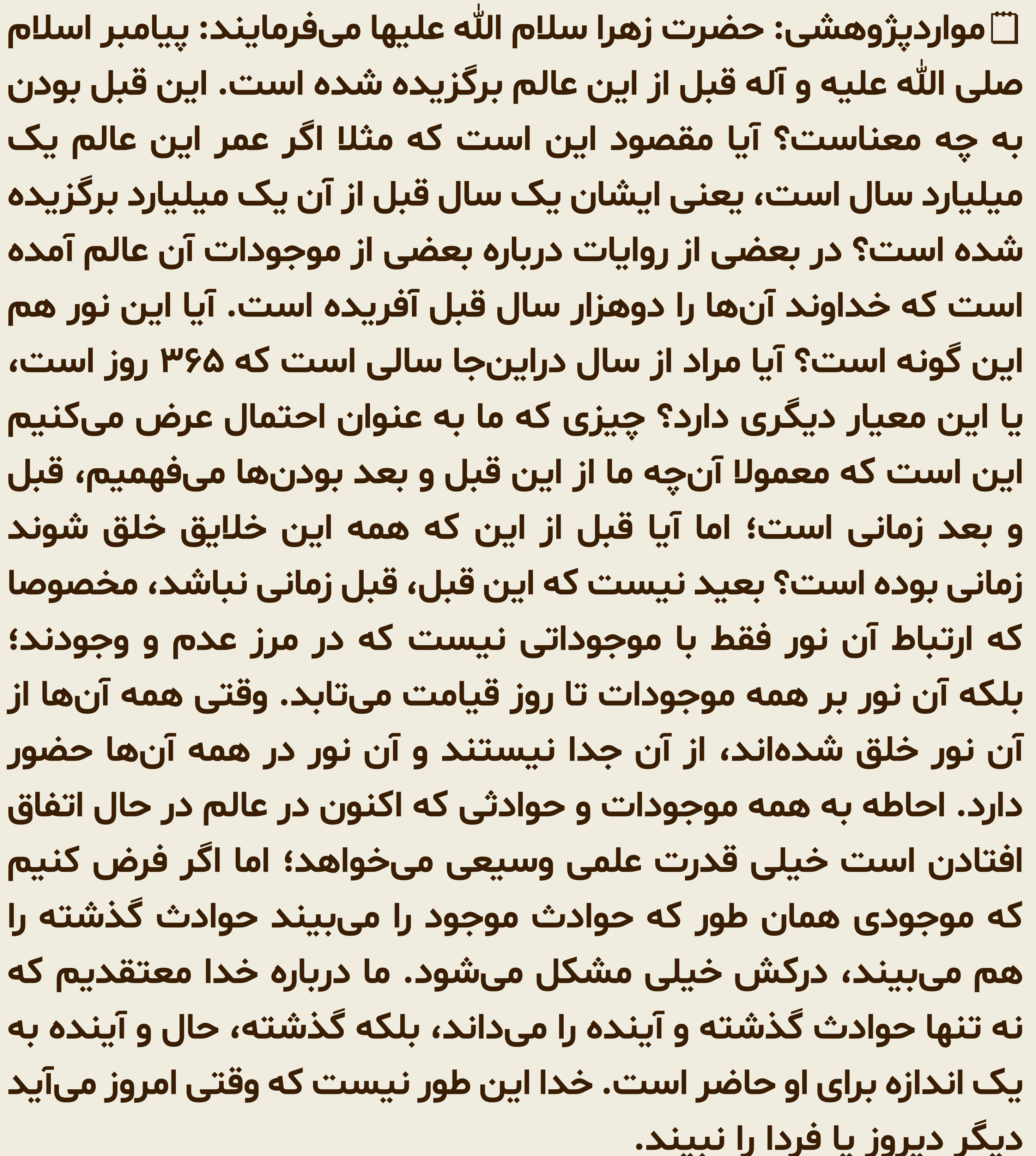
فقیر با توجه به محدود بودن منابع دربارهٔ نظریه نُه جهان در اساطیر هندی، نظریه نُه جهان را از اساطیر نورس برای شما عزیزان به طور مختصر می‌آورم. در اساطیر نورس یک درخت بزرگ کیهانی تحت عنوان ایگدراسیل وجود دارد که در مرکز جهان قرار دارد و این درخت ۹ عالم را به یک‌دیگر متصل می‌نماید در بالای درخت مسکن اُدین خدای خدایان اسکاندیناوی است و یک عقاب بزرگی وجود دارد و گاهی این عقاب خود اُدین است. (اُدین این‌جا به خورشید خدایانی نظیر ایزد مهر و ایزد فرومایه رع. شباهت دارد که پیکشان از پرندگان می‌باشند که صفت عطارد دارند.)

در پایین درخت ماری غول آسا وجود دارد و این مار غول آسا با عقاب بالای درخت در حال مبارزه است و سنجابی نیز وجود دارد که از درخت بالا می‌رود و بین این دو خبر می‌برد و می‌آورد و پیام‌ها و ناسزاهایشان را به اطلاع طرف مقابل می‌رساند. این درخت یک درخت زبان گنجشکی است!

در پای درخت چشمه‌ای است به نام میمیر که از هر یک از شاخه‌های درخت جاری است و این چشمه‌ای است که اودین برای دست یابی به دانایی و معرفت از آن می‌نوشد ! این درخت سیبی نیز می‌دهد که باعث جاودانگی می‌شود و ایزدان از آن می‌خورند!

کارکرد درخت پیوند آسمان و زمین است که سه جهان و نُه عالم را به یک‌دیگر متصل می‌نماید.📝

📂منبع: رسانه یوسف‌فاطمه📂



مواردپژوهشی: حضرت زهرا سلام الله علیها می‌فرمایند: پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله قبل از این عالم برگزیده شده است. این قبل بودن به چه معناست؟ آیا مقصود این است که مثلا اگر عمر این عالم یک میلیارد سال است، یعنی ایشان یک سال قبل از آن یک میلیارد برگزیده شده است؟ در بعضی از روایات درباره بعضی از موجودات آن عالم آمده است که خداوند آن‌ها را دوهزار سال قبل آفریده است. آیا این نور هم این گونه است؟ آیا مراد از سال دراین‌جا سالی است که ۳۶۵ روز است، یا این معیار دیگری دارد؟ چیزی که ما به عنوان احتمال عرض می‌کنیم این است که معمولا آن‌چه ما از این قبل و بعد بودن‌ها می‌فهمیم، قبل و بعد زمانی است؛ اما آیا قبل از این که همه این خلایق خلق شوند زمانی بوده است؟ بعید نیست که این قبل، قبل زمانی نباشد، مخصوصا که ارتباط آن نور فقط با موجوداتی نیست که در مرز عدم و وجودند؛ بلکه آن نور بر همه موجودات تا روز قیامت می‌تابد. وقتی همه آن‌ها از آن نور خلق شده‌اند، از آن جدا نیستند و آن نور در همه آن‌ها حضور دارد. احاطه به همه موجودات و حوادثی که اکنون در عالم در حال اتفاق افتادن است خیلی قدرت علمی وسیعی می‌خواهد؛ اما اگر فرض کنیم که موجودی همان طور که حوادث موجود را می‌بیند حوادث گذشته را هم می‌بیند، درکش خیلی مشکل می‌شود. ما درباره خدا معتقدیم که نه تنها حوادث گذشته و آینده را می‌داند، بلکه گذشته، حال و آینده به یک اندازه برای او حاضر است. خدا این طور نیست که وقتی امروز می‌آید دیگر دیروز یا فردا را نبیند.

علم خدا علم حصولی و صورت ذهنی نیست که بگوییم می‌داند دیروز چه بوده است؛ بلکه همه گذشته، حال و آینده عالم پیش خدا حضور دارند؛ «لیس عند ربک صباح و لامساء؛ صبح و شب و دیروز و امروز ندارد. برای درک این مسئله بزرگان مثال خوبی زده‌اند. می‌فرمایند: اگر شما پشت پنجره‌ای باشید که کاروان شتری از مقابل آن می‌گذرد و موقعیت شما به گونه‌ای است که فقط یکی از شترها را می‌توانید ببینید و برای دیدن شتر بعدی باید این شتر بگذرد. شما وقتی شتر دوم را می‌بینید که اولی گذشته و سومی هنوز نیامده است؛ لذا اولی و سومی را نمی‌بینید. اما اگر به پشت بام بروید به طوری که براین‌جاده اشراف داشته باشید، همه شترها را یک جا می‌بینید. این شترها درجای خود قبل و بعد دارند، اما برای شما همه یک جا حاضرند. این مثل عالمی است که ما در آن زندگی می‌کنیم. ما همه حوادث را با مقیاس این پنجره می‌سنجیم. از این دیدگاه، دومی که بود نه اولی هست و نه سومی؛ اما عالم دیگری هست که اشراف بر این عالم دارد. اگر ما چنین تصور کنیم که عالم محسوسات سقف و مرزی دارد، وقتی از این مرز فراتر می‌رویم عالم دیگری است که بر این عالم احاطه دارد؛ نه تنها بر محیطش بلکه همانند کره‌های متداخل بر درونش هم احاطه دارد. در این صورت عالم محیط، تقدم و تاخرهای داخل عالم محاط را ندارد. حتما شنیده‌اید که بعضی از اولیای خدا حوادث گذشته و بعضا آینده را نه تنها می‌دانستند، بلکه می‌دیدند. تفسیر این نکته این است که روح انسان موجودی فراتر از این قالب مادی است و خداوند قدرتی به آن داده که می‌تواند از عالم ماده فراتر برود. دراین حالت مثل آن کسی است که از بام بر جاده احاطه دارد. در این صورت برای او گذشته و حال و آینده یکسان است.

از بعضی از بزرگان نقل شده است که بعضی از اولیای خدا بعد از ریاضات و عبادت‌های خیلی زیاد موفق شده بودند که روز عاشورا را ببینند. این چه قدرتی است و از کجاست؟ تعبیری که به ذهن‌های ما نزدیک است این است که می‌گوییم: در لوح محفوظ یا لوح محو و اثبات است. این لوح، یک لوح معمولی نیست؛ بلکه عالمی است که همه این‌ها را می‌تواند یک جا در خودش جمع کند. آن کسی که با آن‌جا ارتباط پیدا کند می‌تواند حوادثی که در آن وجود دارد را ببیند. اگر این فرضیه که بزرگانی آن را تقریر فرموده‌اند صحیح باشد وقتی حضرت زهرا سلام الله علیها می‌فرمایند: خدای متعال پدرم را قبل از رسالت اختیار فرمود در آن وقتی که هنوز مخلوقات این عالم به وجود نیامده بودند می‌توانیم بگوییم: آن نوری که خدا قبل از خلق خلایق، خلق فرموده است، در عالم دیگری بوده است که آن عالم غیر از این عالم دنیاست که ما در آن زندگی می‌کنیم. آن عالم برهمه آن‌چه در این عالم است احاطه دارد. زمان جزء عالم ماده است و آن عالم فوق زمان است و بر زمان احاطه دارد. نکته ظریفی دراین‌جا هست که باز از بعضی از آیات قرآن می‌توان استظهار کرد و آن این که همه آن‌چه در عالم جسمانی هست به برکت عالم فوقانی و شعاع و پرتوی از آن است. قرآن می‌فرماید: و ان من شیء الاعندنا خزائنه و ما تنزله الابقدر معلوم. عندنا همان عالمی است که پیش خداست نه پیش ما. می‌فرماید: هرچه شما در این عالم ببینید خزینه هایش پیش خداست و از آن خزینه‌ها با حد و حدود خاصی در این عالم نازل می‌کند. ما می‌دانیم اشرف مخلوقات که عزیزترین و شریف‌ترین آن انوار و اولین مخلوق الهی است، نور پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله است؛ اما پیغمبر اکرم هزاران سال بعد از خلقت حضرت آدم در یک منطقه بیابانی خشک و سوزانی متولد شد.

ایشان طفل یتیمی بود که اندک اندک رشد کرد تا چهل سال از عمرش گذشت و مرد کاملی شد آن وقت مبعوث به رسالت شد. بعد از آن هرچه بیان می‌کرد، وحی الهی بود که به او القاء می‌شد. قرآن هم می‌فرماید: «ما کنت تدری ما الکتاب و لا الایمان ولکن جعلناه نورا؛ تو اصلا نمی‌دانستی کتاب و ایمان چیست. ما آن را نوری قرار دادیم که موجب هدایت تو شد»، و یا در سوره ضحی آیه ۷ می‌فرماید: «و وجدک ضالا فهدی؛ تو خودت هدایتی نداشتی، خدا تو را هدایت کرد.» همه این‌ها در این عالم در یک ظرف زمانی خاصی واقع شد. این موجود مقدس که تدریجاً در این عالم رشد کرد و به رسالت مبعوث شد، چه نسبتی دارد با آن نوری که قبل از عالم آفریده شده و منشا همه خیرات عالم بود و در واقع هدف اصلی از آفرینش مخلوقات بود؟ با نگاه سطحی ممکن است تصور کنیم که همان طور که خاک مبدا آفرینشی برای بدن ماست، وقتی هم خدا می‌فرماید: نور پیغمبر را قبل از عالم خلق کردیم یعنی مبدا آفرینش پیغمبر نور بوده است؛ نوری را خدا خلق کرد که بعداً پیغمبر را از آن بیافرینند، و همان طور که خاک خودش نه چیزی می‌فهمد و نه ارزش قابل توجهی دارد، آن نور هم گرچه از خاک بهتر بود، ولی کمال، قدرت و شعوری نداشت. اگر در بین موجودات مادی بخواهیم ارزش گذاری کنیم باید بگوییم: خاک در پست‌ترین مراتب است، آتش در یک مرتبه بالاتری است و کمی بالاتر هم نور است. وقتی می‌گوییم: انسان از خاک خلق شده است، معنایش این نیست که خاک همه کمالات انسانی را دارد؛ بلکه باید انسان به تدریج آن کمالات را تحصیل کند. هم‌چنین وقتی می‌گوییم: ابلیس از آتش خلق شده است، معنایش این نیست که آتش همه کمالات را دارد؛ اما موجودی که از آتش خلق شده است ویژگی‌هایی دارد که موجود خاکی ندارد؛

مثلاً با سرعت حرکت می‌کند. وقتی گفته می‌شود: پیغمبر از نور خلق شده، برخی ممکن است خیال کنند گرچه آن نور از خاک و آتش بالاتر است و از نورهای این عالم پرنورتر و لطیف‌تر است، ولی کمالی نداشت. این نور آفریده شده بود تا بعدها وجود پیغمبر و ائمه اطهار علیهم السلام از آن نور خلق شوند. همان طور که خاک و آتش، ماده‌ای ابتدایی است به آن‌ها کمالی نمی‌بخشد و فقط آتش مقداری شریف‌تر است، این نور هم گرچه شریف‌تر از خاک و آتش است، ولی صرفاً ماده‌ای ابتدایی است. خدا به پیامبر و امامان افتخار داده و منشا وجودشان را چیزی بهتر از خاک قرار داده است! اما وقتی اوصافی که در روایات برای آن نور ذکر شده است را می‌خوانیم، می‌فهمیم آن نور حقیقتی بالاتر از این نور ساده دارد. امام باقر سلام الله علیه فرمودند: فلما خلق الله الخلق سبحنا فسبحوا؛ اما در روایتی دیگر علت تسبیح گفتن را هم بیان می‌کند. می‌فرماید: وقتی خدا ملائکه را خلق فرمود و آن‌ها عظمت نور ما را دیدند، در مقابل این عظمت خضوع کردند. ما تسبیح گفتیم تا بفهمند که ما مخلوقیم. از لحن کلام استفاده می‌شود که ملائکه وقتی عظمت نور ما را دیدند گمان کردند ما خدا هستیم؛ برای این که بفهمند ما بنده‌ایم، ما تسبیح گفتیم؛ آن‌گاه آن‌ها هم یاد گرفتند و تسبیح گفتند. این معانی با آن تصور که آن نور مثل خاک و آتش، صرفاً منشا پیدایش جسم پیغمبر در این عالم بوده، خیلی متفاوت است. آن نور، نوری است که بعد از خلقت آن، همه برکات طفیل آن است؛ حتی ملائکه مقربین تسبیح خدا را از آن‌ها یاد می‌گیرند و نه تنها تسبیح ملائکه، بلکه تسبیح هر مخلوقی، پژواکی از تسبیح آن‌هاست.□

🏛گردآوری: رسانه یوسف‌فاطمه🏛



توضیحات: در سطح بالاتر هستی علم با حد و نصاب مشخص و تعیین شده‌ای از سوی تدبیر کننده عالم بسیار گسترده‌تر و پیشرفته‌تر است. تمامی پیشرفت‌های فناوری و تکلونوژی روز دنیا برگرفته شده از سطوح بالاتر عوالم نور می‌باشد. در روح و حافظه‌ی تکمیلی هر انسانی مقدار استعداد و خلاقیت علمی وجود دارد که می‌تواند با گردش در ذهن خود و غوطه‌ور شدن در آن به تدریج دست یابد. روح هر آدمی در واقع و قبل از آن‌که وارد زندگی دنیا شود ساکن آسمان‌های بالاتر یا فضای مهیج نور بوده است که بدین حساب اطلاعات اسرار آمیز و علوم کامل الهی را در خود داشته است. این گنجینه علم فی الواقع از هر روحی که می‌توانید تصور کنید گرفته شده و در قسمت پنهان حافظه او انباشته گردیده اگر پروردگار بزرگ ما بخواهد و در تقدیر خود تدبیر کند تا جامعه جهانی و بشر یک عالم پیشرفت یا رشد نماید و به آن استانداردها و نظم انسجامی برسند به طور هوشمندانه‌ای دروازه‌ی گنجینه علم الهی را بر سرچشمه‌های عقل و مغز او باز می‌کند و به صورت اندک و گام به گام آگاهی نصیب او می‌کند که دیگران از آن خبری ندارند و به آن نرسیده‌اند. اگر شما به لغت‌نامه‌های معتبر مراجعه کنید و کلمه لوح را از زبان عربی به انگلیسی بزنید با جوابی جالب مواجه خواهید شد؛ تبلت. در کل تمامی ابزار آلات دیجیتال به مانند موبایل، تبلت، رایانه و... بر اساس علم پیامبران و نزول وحی الهی از آسمان‌ها به زمین ساخته و به بهره‌برداری رسیده‌اند.

خداوند متعال در بعد کامل‌تر هستی و در آسمان‌های بالاتر وسایل فوق پیشرفته برای مقربان درگاه خود آفرید که با نمونه دنیایی آن ساختار بسیار متفاوت‌تری دارد. برای مثال تبلت بزرگی که در دستان مبارک عزرائیل است آخرین تکامل را دارد. شما از هر چه که در ذهن‌تان می‌یاد حساب کنید، آن لوح نیازی برای شارژ ندارد بلکه از انرژی و نیروی نور آفریدگار به جریان در می‌آید همان‌طور سیستمی که در آن نصب است از آخرین مقادیر علم الهی تکمیل شده و هیچ‌گونه عیب و نقصی در آن وجود ندارد. روحی که در وجود انسان متشکل شده یک رشته‌ای متصل به هم دارند روح ما به یک سیستمی اتصال دارد مانند اتصال‌های عصبی فناوری روز دنیا، همان‌طور که ما با حساب و اساس مشخصی از مدار گوشی تلفن‌مان به سرتاسر پایگاه‌های اطلاعاتی دنیا متصل می‌شویم و بر آن آگاهی پیدا می‌کنیم عزرائیل به وسیله لوح و آن عالم مدیریت شده روح و زندگی ما را در اختیار دارد و می‌تواند نیروی زندگانی را از ما بگیرد یا بدهد. راستی از آن‌چه خدا آفریده، لوحی است از یک درّ سپید، که دو پوسته جلدش از یاقوت سرخ است، قلمش از نور است و کتابش از نور و پهنایش به‌اندازه فاصله بین آسمان و زمین. هر روزی سیصد و شصت بار در آن نگاهی می‌کند، در هر نگاهی می‌آفریند، روزی می‌دهد، می‌میراند و زنده می‌کند، عزیز می‌سازد و خوار می‌کند، و آزاد می‌کند، و هر چه خواهد می‌کند. اگر به این روایت دقت کنید و خرد خود را به پردازش وادار نمائید متوجه می‌گردید ارواح موجودات یک اتصالی غیر دیدنی به یک‌دیگر دارند و تمامی آنان به مجموعه‌ی تکمیلی منتهی می‌شوند و خداوند تعالی احاطه کلی به آن دارد. امروزه و با توجه به آن‌که صنعت فناوری پیشرفت منحصر به فردی داشته است می‌توان چنین موضوعاتی را بهتر و بسیار بازتر بررسی کرد و به آن پی برد.

در روایاتی صحیح ذکر شده که در سرای جاودان الهی نعمات نامحدود هستند و به پایان نمی‌رسند به دلیل آن‌که قوانین ساختاری و زیرپایه‌های اصلی طبیعت در آن جایگاه بر اساس نیروی پابر جا و حی الهی چیده شده و شما هر آن‌چه را که بخواهید و تصور کنید برای‌تان موجود می‌گردد و در عین حال از بین نمی‌رود و به پایان نمی‌رسد. در همین دنیا با پیشرفت روز افروز فناوری و علم دیجیتال چنین مقادیری بیشتر احساس و تجربه می‌گردند یکی از امکانات و قابلیت به چشم خورده دیدن و دریافت نامحدود و تمام نشدنی فیلم، عکس، متن، کتاب، صدا و... می‌باشد یعنی شما تا جایی که می‌توانید آن‌را دریافت یا نسخه‌برداری می‌کنید بدون آن‌که از نسخه‌اصلی آن ذره‌ای کم و اندک گردد و یا از بین برود. در بهشت جاودان و مراتب بالاتر در گیتی قوانینی مشابه ولی گسترده‌تر و کامل‌تر وجود دارد که خارج از وصف و هوش انسان است. جدا از این مسئله موارد بی‌شماری را می‌توان برای وصف سرای پر عظمت الهی و لوح حضرت عزارئیل مثال زد که خلاصه به خدمت شما می‌رسانیم. یکی از مزایای فناوری دیجیتال بهینه‌سازی فعالیت‌های روزانه انسان است یعنی دیگر برای خواندن و یا شنیدن یک مطلب و انجام تحقیقات و پژوهشات و دیدار و گفتگو یا آگاه شدن از وضعیت افراد نیازی نیست که دیگر ساعت‌ها زمین را سیر کنید تا شاید به آن‌چه خواستید برسید و آن‌را به تعلق گیرید تنها کافیست گوشی خود را بر دارید و در اندک زمان به آن دست پیدا کنید. زیرا تمام جهان به هم متصل و هماهنگ است و به مانند یک خانه جمعیت را در خود فشرده و جمع نموده.

لوح یا بهتر بگویم تبلت حضرت عزرائیل هم چنین است ملک الموت دیگر نیازی ندارد تا به دنیا آید و در آن وارد شود و زمان زیادی را صرفه خارج کردن روح از کالبدی نماید یا از این خانه به خانه‌ای دیگر رود و اتلاف وقتی کند تنها کافیست لوح بزرگ خود را بر دارد و جامعه انسانی را با ریزترین جزئیات در کم‌ترین زمان مشاهده کند و تمامی فعالیت و اعمال آنان را ردیابی نماید و دستور خداوند تعالی را در کم‌ترین زمان به وسیله ارتباطات عصبی بین مدار قدرت کنترل الهی و ارواح انسانی به عمل درآورد. اگر صاحب عقل و خرد هستید می‌توانید بیشتر دروازه‌ی شگفتی‌ها و عجایب را بر خود باز کنید.

نویسنده: محمدعلی شرطان



🏁سوال:🏁

▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️

📂موضوعات: فناوری-علم-آسمان-گیتی-نور-ملکوت-سرای جاودان-عوالم-خلقت-خداوند-عجایب📂

▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️

🔍کلمات‌جستجو: فناوری دیجیتال و مزایای کاربردی آن در جامعه

آخرین دستاوردهای ابزار ارتباطی و تکلونوژی روز دنیا

چگونگی پیشرفت در علم ساخت و ایجاد ابزار دیجیتال

نحوه و مراتب کامل تولید یک گوشی و تبلت هوشمند

عالم المسط و رازهای ندانسته آن🔎

▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️▪️▫️

⁂بیشتر مطالعه کنید: ترجمه تفسیر روایی البرهان

هاشم البحرانی

لینک: http://www.ghbook.ir/Book/12678

ترجمه بحارالانوار جلد۱۸

محمدباقر بن محمدتقی علامه مجلسی

لینک: http://www.ghbook.ir/Book/1014308022

ترجمه بحارالانوار جلد۸

محمدباقر بن محمدتقی علامه مجلسی

لینک: http://www.ghbook.ir/Book/1014308090

⁂https://medrar.ir



📰لغت‌نامه:📰

📓کتاب:📓

■ □ ■ □ ■ □ ■ □ ■ □ ■ □ ■ □

🎶موسیقی: یامصطفی🎶

🎸سازنده: سامی یوسف🎸

■ □ ■ □ ■ □ ■ □ ■ □ ■ □ ■ □

📹کیفیت: HD_Frame1773📹

📀حجم: MG84📀

■ □ ■ □ ■ □ ■ □ ■ □ ■ □ ■ □

⏰زمان: ۰۵:۵۵ TM⏰

🎥فرمت: MP4🎥



♻️اشتراک‌گذاری این‌مطلب برای تمام دوستان‌تان الزامی است♻️

🌐برای مشاهده مطالب‌بیشتر به صفحه‌رسمی @YoSoFeFATeMe به‌روید🌐

💠عالی‌ترین، محبوب‌ترین، زیباترین و خاص‌ترین مطالب علمی‌تحقیقاتی‌اسلامی را با بهترین پردازش‌ها در رسانه یوسف‌فاطمه مشاهده نمائید💠



📣جدیدترین مطالب‌رسمی رسانه یوسف‌فاطمه را در کانال‌های فعال ما



در سایت آرشیو

Https://Archive.Org/Details/@YoSoFeFATeMe_IR

در وبلاگ فارسی

Https://YoSoFeFATeMe.PersianBlog.IR

در شبکه‌اجتماعی اینستاگرام

Https://Instagram.CoM/YoSoFeFATeMe

در پیام‌رسان تلگرام

Https://TeleGram.Me/YoSoFeFATeMe_IR

در خدمات‌فیلم آپارات

Https://Aparat.CoM/YoSoFeFATeMe

در شبکه‌پیام‌نما توئیتر

Https://Twitter.CoM/YoSoFeFATeMe

در ایمیل‌الکترونیکی یاهو

Https://YoSoFeFATeMe@YAhoo.CoM



مشاهده، دنبال کنید.📣